فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc531258947)

[حُسن و قبح ذاتی و اعتباری 2](#_Toc531258948)

[روش‌شناسی کتاب «تزکیة النفس» 3](#_Toc531258949)

[اقسام حُسن و قبح در منظر کلی فلسفی 4](#_Toc531258950)

[انواع حسن و قبح در روابط میان فردی 4](#_Toc531258951)

[جمع بندی 5](#_Toc531258952)

[تفاوت حُسن و قبح ذاتی و اعتباری 6](#_Toc531258953)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی /مقدمات

# اشاره

بیان شد که در باب حُسن و قبح حداقل سه دیدگاه کلان وجود دارد، البته در ذیل این دیدگاه‌ها، شاخ و برگ‌هایی وجود دارد که در فلسفه اخلاق بایستی پیگیری بشود، بهترین نظریه برای پذیرفتن هم دیدگاه دوم است که اشاره شد.

این نظریه و این مباحث در تمام مواردی که ما حُسن و قبح را به کار می‌بریم و حمل بر یک فعل و رفتار یا صفتی می‌کنیم نیست، در برخی از گزاره‌هایی که در آن حُسن و قبح محمول قرارگرفته، موردی است که بیان شد، حُسن و قبح در آنجا یک امر واقعی است و منشأ انتزاع دارد، معقول اول نیست که ماهوی باشد، امر اعتباری یا اجتماعی هم نیست که قراردادی است، بلکه یک واقعیتی است که در میانه آن دو نظریه قرار می‌گیرد، بر اساس همان تحلیلی که در باب معقولات ثانی فلسفی ملاحظه کردید، برخی از موارد و ریشه‌های حسن و قبح این است.

بخشی از افعال و رفتارها هم هست که در آنجا حُسن و قبحش قراردادی است و آن در آداب و رفتارهای ثانوی است که در معاشرت‌های اجتماعی قرارداد می‌شود، اینکه مثلاً در یکجایی دست روی سینه گرفتن حُسن دارد و نشانه تعظیم دیگری است، اما ممکن است در عرف دیگر دست روی سینه گذاشتن، موجب توهین باشد، این موارد را باید یک قسم دیگر دانست.

## حُسن و قبح ذاتی و اعتباری

بنابراین وقتی ما می‌گوییم حُسن و قبح به‌عنوان محمول اخلاق، معقول ثانی فلسفی است و امر انتزاعی و دارای ریشه واقعی است و امر اعتباری نیست که نظریه سوم بود، این در بخشی از موارد است و حُسن و قبح ذاتی در همه‌جا نیست، در بعضی از موارد است، وقتی می‌گویید که کذب یا خیانت قبیح است، صداقت یا امانت‌داری حَسَن است و امثالهم، این‌ها حُسن و قبح‌های ذاتی است و حُسن و قبح در آنجا انتزاعی است.

اما یک سلسله آدابی داریم که در رفتارهای انسان تعیین می‌شود و حُسن و قبح هم برای آن‌ها تعیین می‌شود، در آنجا غالباً حُسن و قبح‌های اعتباری هستند.

آیا تجسم اعمال معنایش این است که؛ این مفهوم ماهوی است و در اینجا یک عرض است یا اینکه اتفاقاً تجسم اعمال بااینکه این انتزاعی باشد بیشتر سازگاری است؟

وقتی انتزاعی شد یعنی در شراشر ذات آن این وجود دارد، این از عرض بودن بالاتر است و لذا تجسم اعمال شاید به نظریه دوم نزدیک‌تر باشد یا لااقل به آن برای نظریه اول نمی‌شود استدلال کرد.

چون نظریه اول حُسن و قبح را که معقول اول می‌داند، یک عرض می‌شود، اما انتزاعی بودن مثل امکان برای موجود است، امکان یا وجوب یا علیّت و معلولیّت برای یک موجود آمیخته با تمام ذاتش است، درحالی‌که سیاهی و سفیدی یک امر عارضی است، البته می‌شود عارضی دائمی باشد، اما درعین‌حال انتزاعی بودن شاید به آن بحث تجسم اعمال بیشتر نزدیک باشد.

## روش‌شناسی کتاب «تزکیة النفس»

حضرت آیت‌الله سید کاظم حائری یک کتابی دارند به نام تزکیة النفس که ایشان در این کتاب یک کار اجتهادی را پایه‌ریزی کردند، البته نه با نگاهی که ما در فقه اخلاق پیگیری می‌کنیم، به این شکل نیست، اما واقعاً اجتهادی وارد مباحث اخلاقی شدند، بارها گفتیم که حوزه‌های ما اجتهادی وارد اخلاق نشدند.

ایشان در بحث حقیقت حُسن و قبح حدود نُه نظریه نقل کردند، البته جای بحث دارد، ارجاعاتی هم به اصول دادند.

ابتدا یک بحث‌های فلسفه اخلاقی و مقدمات دارند و بعد هم وارد مراتب اخلاق شده‌اند، قصد داشتند به آن مطلب بپردازد که تزکیه و رشد اخلاقی مراتب و مدارج دارد، مراحل رشد اخلاقی یا مراتب یا مدارج اخلاقی از دیرباز در اخلاق و عرفان مطرح است.

عرفا همان ده منزل و صد منزل و هزار منزل دارند، از یک منظر عام می‌گویند که ده منزل است، بعد منزل‌ها را کمی بازتر می‌کند، هر کدام را ده موقف تعیین می‌کند که صد منزل می‌شود و هر صد منزل را هم بازتر کردند که گاهی تا هزار منزل رسیده است، کتاب منقح عرفا در این مباحث «منازل السائرین» کاشانی است.

منازل رشد اخلاقی و مراحل سیر اخلاقی و عرفانی یک مقوله‌ای است، عرفا خیلی به این مسئله پرداخته‌اند و منازل السائرین یک کتاب مهمی است، حضرت امام در درس‌های اخلاقی که در فیضیه داشتند، از این کتاب خیلی استفاده می‌کردند.

حضرت آیت‌الله سید کاظم حائری قصد داشتند در کتاب تزکیة النفس مستند به آیات و روایات مراحلی را درست بکند، تا حدی کارهایی را انجام دادند، جای کار دارد.

در مواردی بحث کردیم که این منازل یک مسیر ثابت یا منعطف یا متغیر است، در ذیل مباحث تعلیم و تربیت گاهی مقداری بحث کردیم، جای بسط بیشتری هم دارد، ایشان در مقدمه آن کتاب راجع به حقیقت حُسن و قبح بحث‌های خوبی دارند، منتهی ما وارد آن تفاصیل نشدیم، گفتیم که از یک منظر فلسفی عام سه نظریه کلان می‌شود ارائه کرد:

## اقسام حُسن و قبح در منظر کلی فلسفی

 1 - حُسن و قبح به‌عنوان مفهوم ماهوی عرض

2 - حُسن و قبح به معنای امر انتزاعی

3 - حُسن و قبح به‌عنوان یک امر قراردادی و اعتباری

واژه اعتباری گاهی به انتزاعیات هم می‌گویند، لذا اعتباری دو معنا دارد، مشترک لفظی است، گاهی اعتباری را به معنای انتزاعی می‌گیرند و گاهی هم مقابل انتزاعی هست.

حُسن و قبحی که می‌گوییم انتزاعی هست، در بعضی موارد است، اما گاهی هم حُسن و قبح‌هایی که بر افعال ادبی و رفتارهای آدابی که متغیر در عرف‌های مختلف حمل می‌شود، آن حُسن و قبح اعتباری است.

## انواع حسن و قبح در روابط میان فردی

در فقه روابط میان فردی وارد بحث‌ها خواهیم شد که این رفتار واجب یا مستحب یا حرام یا مکروه است، این‌ها دو نوع هستند:

1 – بعضی از آن‌ها حُسن و قبحشان ذاتی است و انتزاعی است، یعنی نظریه دوم در آن‌ها جاری می‌شود.

2 – بعضی از رفتارها هست که حُسن و قبحش قراردادی است، مثل تحیت در اسلام سلام است، این یک قرارداد است، می‌تواند طوری دیگر باشد، یک سلسله امور در رفتارهای میان فردی داریم که درواقع آن‌ها بیشتر یک نوع قرارداد است.

البته قراردادهای اجتماعی یک فلسفه‌ای دارد، اما آن ملازمه عقلی با این رفتار ندارد، آداب است، به معنای خاص یعنی در مقابل آن‌هایی که حُسن و قبح ذاتی دارند.

## جمع بندی

جمع‌بندی صحبت‌های ما این است که حُسن و قبح اخلاقی که از مبادی فقه روابط اجتماعی است، این دو شکل دارد:

1 - در برخی از موارد که اصول پایه اخلاق است، حُسن و قبح امر واقعی انتزاعی است.

2 – در برخی موارد که در همان حوزه آداب اجتماعی است، واقعیت حُسن و قبح در آنجا اعتباری است، به قرارداد است، این اعتبارات می‌تواند عقلایی باشد یا شرعی باشد، شارع این‌طور اعتبار کرده است.

پس یک بحث در فلسفه اخلاقی در حُسن و قبح ذاتی اخلاق بیان کردیم، حُسن و قبح‌ها روی پایه‌های اصلی اخلاقی آوردیم، گفتیم آنجا انتزاعی است، اما درعین‌حال از این نباید غافل باشیم که ما یک حُسن و قبحی در اخلاق داریم که روی آداب و رفتارها می‌آید که در آنجا ذاتی نیست و انتزاعی و حقیقی و منشأ انتزاع ندارد، بلکه جعل عقلایی و عرفی است.

حجیت خبر واحد انتزاعی نیست، بلکه اعتباری است، اما درعین‌حال این حجیت بدون فلسفه نیست، بلکه یک حکمتی دارد.

حکمت داشتن غیرازاین است که این امر انتزاعی حقیقی در عالم خارج است.

نوع دوم از رفتارها که جنبه آدابی و سلوکی دارد، حُسنشان ذاتی نیست که غیر قابل انسلاخ و سلب باشد و حُسنشان انتزاعی حقیقی نیست، بلکه به جعل و اعتبار است، لذا می‌گوییم حسن‌هایی که در اخلاق هستند بر دو قسم هستند:

1 – حُسن و قبح‌های ذاتی

2 – حُسن و قبح‌های اعتباری

حُسن و قبح‌های اعتباری یک فلسفه و حکمتی دارد، مثلاً حجیت خبر واحد.

نکته دیگر این است که؛ حُسن و قبح‌های اعتباری که در اخلاق می‌آیند، نگاهی به یک حُسن و قبح درجه‌یک دارند، مثل دست دادن، سلام کردن و امثالهم، همه این آداب حُسنشان به جعل شارع یا عقلا است، اما همه تنظیم‌شده برای اینکه اکرام و احترام را نشان بدهد، ممکن است که آن اکرام و احترام حُسنش ذاتی باشد، خود اکرام و احترام ممکن است که به یک‌چیزی دیگری برگردد.

حُسن و قبح‌ها را به 1 - ذاتی، انتزاعی، حقیقی، 2 - جَعلی، اعتباری و قراردادی تقسیم کردیم.

در فقه روابط میان فردی هم حُسن ظن و سوءظن می‌گوییم، هم امانت و خیانت را می‌گوییم، هم سلام و تواضع و امثالهم را بیان می‌کنیم، یکی ذاتی و دیگری اعتبار و قرارداد است.

جمع‌بندی بحث ما این می‌شود که؛ احکامی که در اخلاق بیان می‌شود و بعد این‌ها در روابط میان فردی به احکام فقهی مبدلش می‌کنیم، البته این احکام فقهی خیلی وسیع‌تر از آن است که در اخلاق غیردینی می‌آید، محمولاتش در اخلاق و بعد در فقه که به حُسن و قبح و بَعث و زَجر برمی‌گردد، در مواردی این‌ها واقعاً امور حقیقی و انتزاعی هستند، در یک مواردی هم امور اعتباری هستند، بالطبع همین شکل در فقه هم منعکس می‌شود.

فقه حتماً باید طبق محمولات اخلاقی قسم اول عمل بکند، یعنی شرع هم باید طبق آن عمل بکند، چون قاعده ملازمه داریم، اما قسم دوم که جعلیات عرفی است که بنای عقلا است، اینجا شارع می‌تواند با آن همراهی بکند، می‌تواند از آن جدا بشود.

## تفاوت حُسن و قبح ذاتی و اعتباری

حُسن و قبح‌های ذاتی که مرتبه اول داوری‌های عقل هستند و پایه‌اش هم داوری عقل است، اگر قطعی باشد، طبق قانون ملازمه باید در فقه همان هم جعل بشود، فقه باید طبق قانون ملازمه حرکت بکند.

اما قسم دومی که حوزه اعتبارات عقلا است، در حوزه اعتباریات عقلا می‌تواند شارع همراه بشود و می‌تواند جدا بشود، درحالی‌که در قسم اول این تفکیک و انفکاک شارع از آن مسیر عقل قطعی نمی‌شود، مگر اینکه آنجا عقل ظنی باشد و قطعی نباشد.

پس حُسن و قبحی که در اخلاق گفته می‌شود، برخی از آن و قسمی از آن حُسن و قبح ذاتی است و قسم دیگرش اعتباری است، قسم اول که ذاتی است، ذاتی بودنش به معنای انتزاعی بودن که نظر دوم بود.

حُسن و قبح‌های نوع دوم باید موردتوجه قرار بگیرد که این‌ها معمولاً در آداب و سلوک‌های ثانوی هستند و مبتنی و مشیر به یک پایه‌های دیگری هستند، یعنی یک ریشه واقعی دارد که این برای تأمین آن این اعتبار را قرار داده است.

حُسن و قبح ذاتی که قسم اول است، حاکم در آن عقل است و اگر قطعی باشد با قانون ملازمه در فقه قرار می‌گیرد، یعنی حکم برایش درست می‌شود، اما در قسم دوم که حُسن و قبح‌های قراردادی هستند، چیزهای عقلایی است که نیاز به تأیید یا عدم ردع شارع دارد و باید در آن مسیر جلو برود و امکان نفی و ردع هم در آن وجود دارد، درحالی‌که در اولی امکان ردع و نفی وجود ندارد.